

نقاط آسیب پذیر دانشگاهها و ارائه برخی راهکارها

حسن لزومی*

مقدمه

دانشگاه به عنوان نهاد علمی کشور، اصلی ترین خاستگاه نیروی انسانی لازم برای اداره جامعه و حکومت است. بنابراین هر حکومتی که خواهان تحول و ترقی و تعالی باشد، باید به تعمیق و گسترش طرحهای علمی و پژوهشی بپردازد تا بتواند به ابداعات و نوآوری نائل آید و بدون تردید دانشگاه مطلوب در جامعه اسلامی دارای چنین ماهیتی است. تردیدی وجود ندارد که رخوت و سستی در عرصه علوم بشری و دانش مورد نیاز جامعه و نظام اسلامی، موجب عقب افتادگی و وابستگی می گردد. از این منظر، این دانشگاه است که باید با علم و رجال علمی اش، علمدار کاروان تمدن ایران اسلامی باشد.

دانشگاه به مثابه زبان ملت ما، آنگاه مصداق واقعی پیدا می کند که تثبیت و تحقق آرمانهای بلند انقلاب اسلامی را جدی ترین اهداف خود بدانند و برای رسیدن به سرمنزل مقصود از هیچ تلاشی دریغ نکنند. مرجحاً به همت و تلاش دانشگاهیان عصر پر افتخار جمهوری اسلامی که در ربع قرن اول این نظام، کوشش هایی را به ثمر رساندند که امروز می توانیم شاهد نشانه هایی دال بر جهش علمی جدی و جبران مافات و برنامه ریزی برای فردایی روشن تر باشیم.

با وجود پیشرفتهای حاصل شده در سالیان اخیر، دانشگاهها نتوانسته اند بیش از نیمی از انتظارات را برآورده سازند، گرچه شاید این ناکامی، معلول پاره ای سیاست های حاکم بر آموزش عالی کشور و یا بی توجهی شورای انقلاب فرهنگی به مسئولیت های اصلی و کلان خود بوده است.

اظهار نظرهای مقام رهبری در سالهای اخیر نیز، حاکی از نگرانی و عدم رضایت معظم له از دانشگاهها می باشد و به یقین تنها راه رسیدن دانشگاه به وضعیت مطلوب و مطابق با معیارهای انقلاب اسلامی، راهی است که امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب ترسیم نموده اند.

از نظرات مقام معظم رهبری درباره دانشگاهها، دو اصل عمده می توان بدست آورد:

الف - دانشجوی باید سیاسی باشد، ب - دانشگاهها باید اسلامی شود.

این دو اصل، در صورتی که مورد بررسی و تفسیر همه جانبه قرار بگیرد در برگیرنده مترقی ترین آموزش عالی و موجب قرار گرفتن دانشگاههای کشور در ردیف جامع ترین دانشگاههای جهان می باشد.

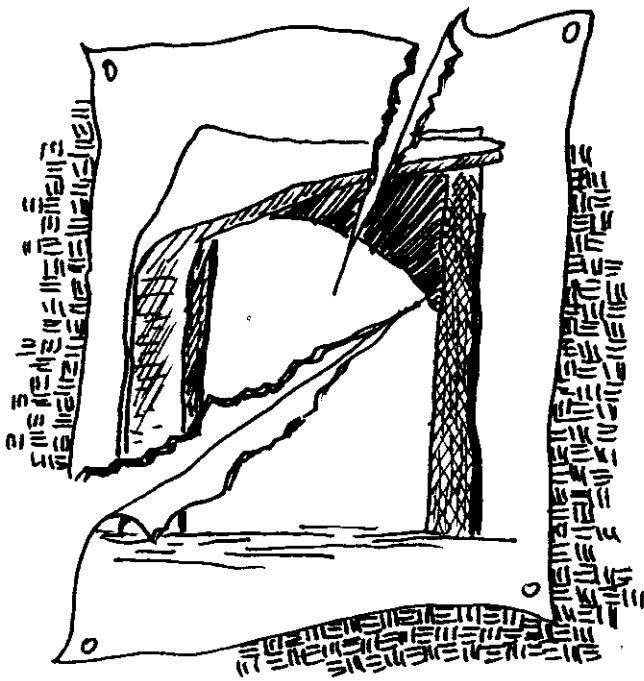
مقاله حاضر با هدف شناسایی نقاط ضعف دانشگاهها و بیان راه حل آنها، مبتنی بر تحقیقات و نظر خواهی های فراوان و با نتیجه گیری آماری دقیق و مطالب کاملاً باز و بدون خودسانسوری تنظیم شده و موضوعات آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت، حوزه و دانشگاه، نقش دانشگاهها در تحولات سیاسی و مسائل فرهنگی با ارائه پیشنهادات و راه کارهای مربوطه را، مورد بحث قرار داده است. بدون تردید نکاتی وجود دارد که از زاویه دید نویسنده مقاله به دور مانده و یاد طرح آنها کوتاهی صورت گرفته است که انتظار دارم خوانندگان محترم نظرات انتقادی و اصلاحی خود را ارسال فرمایند.

بیان مسئله

دانشگاهها از جمله مهمترین ارکان پیشرفت و تعالی جامعه محسوب می شوند. وجود نارسائیه و مشکلات در دانشگاهها، نه تنها قشر دانشگاهی را مورد تهدید قرار می دهد بلکه آثار سوء آن به جامعه و نسلهای آینده نیز سرایت می کند.

اکنون که دانشگاهیان ما، این آشنایان با دوران پر تلاطم انقلاب باید با درک و شعور خود در صحنه های تلاش و کوشش در سازندگی کشور حضور فعال داشته باشند و گامهای مثبتی در جهت استقلال کشور بردارند، وجود نارسائیه و مشکلات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، آموزشی در دانشگاهها، آنها را به انزوای بی اعتنایی، عدم کارایی و احیاناً نارضایتی می کشاند. وجود چنین معضلاتی در میان قشر دانشگاهی

* - حجت الاسلام حسن لزومی، مسؤول نهاد و نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه



خطراتی برای انقلاب در بر خواهد داشت و آنان را در برابر دشمنان داخلی و خارجی نظام اسلامی، آسیب پذیر خواهد ساخت.

از سوی دیگر، سطحی نگری برنامه ریزان و سهل انگاری مسئولان در برابر رفع نارسائیهای مربوط به دانشگاهها، پیامدهای سوئی به دنبال خواهد آورد که نتایج آن را می توان در آفت کیفیت تحصیلی، فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی و غیره مشاهده نمود. بنابراین، آرزوی جامه عمل پوشانیدن به رهنمودهای امام راحل (ره) که فرموده‌اند: «نجات دانشگاه از انحراف، نجات کشور و ملت است» بدون ژرف نگری و فراتر رفتن از افق اندیشه‌ها و تلاش و کوشش در این زمینه، امکان پذیر نخواهد بود.

به نظر می‌رسد برای شناخت وضعیت دانشگاهها بایستی به دو جنبه توجه کرد: یکی مسائل و مشکلات جامعه (یعنی محیط بیرون دانشگاه) که می‌تواند بر قشر دانشگاهی تاثیر گذار باشد، اعم از وضعیت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... جامعه و سیاستهای حاکم بر آن و دیگری وجود نارسائیهای محیط داخلی دانشگاهها که آفات و آسیب‌هایی برای قشر دانشگاهی در پی می‌آورند، از جمله نارسایی در برنامه‌های فرهنگی، آموزشی، ارتباط حوزه و دانشگاه، روند فعالیت تحقیقی و غیره ... در این بررسی با توجه به گستردگی عنوان تحقیق، مهمترین مسائل تاثیر گذار بر دانشگاهها در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، علمی و سیاسی مورد توجه قرار گرفته و لازم است برای روشن نمودن هر یک از این ابعاد، به بسط کلام بپردازیم.

الف - بُعد فرهنگی

مسائل و موضوعات و مشکلاتی که در بعد فرهنگی دانشگاهها قابل بررسی‌اند:

۱- حضور فضلاء روحانی در دانشگاهها، می‌تواند موجب ارائه فرهنگ و عقاید اسلامی و معارف اهل بیت (ع) و حقایق دینی به دانشجویان با زبان دانشگاهی و روز گردد.

حذف یا محدود کردن این حضور، دانشگاهها را در برابر تهاجم فرهنگ بیگانه خلع سلاح می‌کند و زمینه را برای تلاشهای مغرضانه در جهت سست نمودن رابطه بین حوزه و دانشگاه و از میان بردن زمینه‌های انس و ارتباط و شناخت زبان یکدیگر، فراهم می‌سازد. بنابراین، شناخت میزان و عمق این ارتباط و زمینه‌های افزایش آن حائز اهمیت است.

۲- هیچ درسی در کل دانشگاهها به اندازه درس معارف اسلامی فراگیر نیست. اکنون با توجه به نیاز کشور و جوانان به فرهنگ اسلامی، لازم است اساتیدی متخصص و متعهد برای تدریس این درس در نظر گرفته شود و زمینه‌های تربیت استاد

نیز فراهم گردد. متأسفانه وضعیت موجود دانشگاهها نشان می‌دهد که نسبت به این مسئله کم توجهی شده است. از جمله، برخی تلاش‌ها برای تقلیل واحدهای درس معارف اسلامی، حق التدریسی بودن بسیاری از اساتید معارف اسلامی، مورد بی توجهی قرار دادن اساتید این رشته‌ها، پر جمعیت بودن کلاسها، در اختیار نگذاشتن امکانات نسبت به دیگر درس و ... نمونه‌های بارز کم توجهی است. بنابراین به لحاظ اهمیت این درس، بررسی و تحقیق درباره جایگاه درس معارف اسلامی و وضعیت اساتید آن حائز اهمیت است.

۳- مشکلات فرهنگی برخلاف مشکلات اقتصادی به زودی نمود پیدا نمی‌کنند، بلکه باید چندین سال بگذرد تا نتایج آن مشخص گردد. از این رو، لازم است اشخاص تیز بین و آشنا با مسائل فرهنگی، با درایت و هوشیاری مسائل را شناسایی نموده و در صدد برنامه‌ریزی برای رفع آن برآیند. در وضعیت موجود، به دلیل اینکه چنین افرادی در جایگاه سیاست‌گذاری‌های فرهنگی دانشگاهها کمتر مشاهده می‌شوند، چنانچه حرکتی هم در راستای رسیدن به اهداف فرهنگی صورت گیرد، معمولاً کمتر این اهداف را تحقق می‌بخشد. از طرف دیگر، در نظام اسلامی انتظار طبیعی و اصلی آن است که فعالیت‌های فرهنگی کشور مغایر با آموزه‌های دینی و اعتقادی نباشد. حال این سؤال مطرح است که آیا واقعاً اکثر فعالیت‌های فرهنگی دانشگاهها در این راستا قرار دارند؟

۴- سیاست‌گذاری‌هایی که در دانشگاهها اعمال می‌شود بیشتر در بعد آموزشی و تحصیلی است و سیاست‌گذاری‌های کلان و حساب شده فرهنگی که در جهت تربیت و رشد دانشجویان و تعمیق اندیشه‌ها و تحکیم باورهای دینی دانشجویان باشد کمتر به چشم می‌خورد و فعالیت‌های فرهنگی

صرفاً در مرحله ابتدایی و مقطعی است. این مسئله موجبات فقر فرهنگی نسل جوان را به دنبال دارد، به گونه‌ای که اکثریت دانشجویان با فرهنگ قرآن و مسائل دینی آشنایی ندارند. راستی این مشکل از چه ناحیه‌ای نشأت می‌گیرد؟

ب - بُعد علمی

موضوعات و مشکلات قابل بررسی در بُعد علمی دانشگاهها:

۱- با بررسی برنامه‌های آموزشی می‌توان به این نتیجه رسید که نظام آموزشی دانشگاهها بجای آنکه بیشتر به کیفیت آموزش توجه نماید به کمیت دانشجویان پرداخته است. به تناسب اینکه ظرفیت پذیرش سالیانه دانشجویان رو به تزاید بوده است، آمار مربوط به مشروطین و منصرفین و اخراج شدگان نیز رو به افزایش بوده است. لذا قابل بررسی است که مشخص شود، آیا همگام با افزایش پذیرفته شدگان در دانشگاهها، کیفیت و محتوای برنامه‌ها، دروس، سطح علمی اساتید و غیره نیز ارتقاء یافته است؟

۲- دانشگاهها به عنوان یکی از پایگاههای علمی و پژوهشی کشور محسوب می‌شوند. همچنین از مشخصه‌های رشد و توسعه یک جامعه این است که دانشگاهها بتوانند به نحو شایسته و کاربردی، عهده‌دار فعالیتهای تحقیقی و علمی جامعه خویش گردند. اما وضعیتی که امروزه دانشگاههای ما دچار آن است به گونه‌ای است که نه تنها در خواستها و توجهاتی از سوی برنامه‌ریزان جامعه به این مسئله نمی‌شود، بلکه عمدتاً آثار تحقیقی اساتید و دانشجویان نیز بدون کاربرد علمی و عملی، به پایگانی سپرده می‌شوند.

۳- معضل دیگری که دامنگیر دانشگاههای ماست، بهاندادن به تحقیقات دانشجویی است. این معضل، ناشی از بی‌توجهی و سطحی‌نگری بخش وسیعی از اساتید نسبت به مسئله تحقیقات دانشجویی است و بی‌توجهی به این نیروهای بالقوه علمی، باعث شده است که تحقیقات مزبور معمولاً در سطح پائینی انجام پذیرد. از این منظر، علل پائین بودن روحیه و انگیزه تحقیق در دانشگاهها، اعم از استاد و دانشجو نیز قابل تحقیق و بازبینی مجدد است.

۴- بی‌توجهی به شناخت استعدادها در خشان و عدم همکاری در فراهم نمودن زمینه‌های رشد و شکوفایی آنها و احیاناً فعالیتهای تخریبی در خاموش کردن این استعدادها، نتیجه‌ای جز سرخوردگی این افراد را بدنبال ندارد. امروزه، در سطح کشور بسیار مشاهده می‌شود که این افراد بنا به دلایلی، از جمله ضعف سیستم آموزشی در پاسخگویی به نیازهای آنها، از همکاری با دستگاه رسمی آموزشی شانه خالی کرده و بعضاً

جذب مراکز علمی و تحقیقاتی بیگانه می‌شوند. گرچه این معضل دامنگیر اکثر کشورهای در حال توسعه می‌باشد، اما برای ایران اسلامی که استقلال علمی و فرهنگی از اهداف اصولی آن در مبارزه با سلطه جهانی است، این مسئله از اهمیت ویژه‌ای برخوردار و قابل تحقیق است.

۵- حضور اساتید غیر متخصص و کم سواد و بی‌تعهد در دانشگاهها (که احتمالاً نشانه عدم اجرای کامل ملاکهای علمی از جمله تألیفات، مقالات، تحقیقات و ... در انتخاب استاد می‌باشد) و همچنین کمبود نیروی انسانی متخصص و یا گرایش به زیر پا گذاشتن ضوابط آموزشی، تقلیل سطح آموزشی دانشگاهها و بی‌اهمیتی نسبت به مسائل آموزشی و ... را بدنبال داشته است. دامنه این مشکل به گونه‌ای است که احراز کرسی تدریس در دانشگاهها بدون داشتن صلاحیت علمی لازم، چرخه‌ای را بوجود آورده است که در موارد قابل توجهی دانشجویان ضعیف به صرف داشتن مدرک، متصدی تعلیم و تربیت دانشجویان دیگر و یا عهده‌دار سمتهای کلیدی جامعه گردیده‌اند (این وضعیت در دانشگاههای آزاد اسلامی بسیار بیشتر از دانشگاههای دولتی به چشم می‌خورد). بدیهی است چنین روندی در دراز مدت نتایج زیانباری را در پی خواهد داشت و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی پاسخگوی نیازهای فنی، تخصصی جامعه نخواهند بود و در نهایت وابستگی اقتصادی جامعه را بدنبال خواهد داشت.

۶- علیرغم اینکه وجود وسایل کمک آموزشی (اعم از آزمایشگاه، کتابخانه و ...) و فوق برنامه‌ها (اعم از بازدیدهای علمی، سمینارها، انجام تحقیقات و پژوهش‌های گروهی و ...) می‌توانند در ارتقاء سطح علمی دانشگاهیان مؤثر باشند، اما با مروری بر برنامه‌ها و امکانات دانشگاهها می‌توان مشاهده نمود که همه دانشگاهها به طور فراگیر و مطلوب از آن بهره نمی‌گیرند و اکثر برنامه‌ریزان امور فرهنگی و آموزشی دانشگاهها به عدم تناسب امکانات آزمایشگاهی و کتابخانه‌ای و کمک آموزشی و ... با تعداد دانشجویان معترفند. بنابراین، بررسی این مسئله با توجه به افزایش روز افزون دانشجویان و جذب سهم زیادی از بودجه کل کشور در بُعد آموزشی، حائز اهمیت است.

ج - بُعد اجتماعی

موضوعات قابل بررسی در بعد اجتماعی دانشگاهها:

۱- وجود فضای معنوی در دانشگاهها و بکارگیری اساتید متعهد و متخصص و ارجحیت دادن به نیروهای مذهبی و عدم طرد آنان از صحنه‌های اجتماعی و دانشگاهی، موجب می‌گردد که دانشجویان از انحرافات اخلاقی و عقیدتی مصون بمانند. وضعیتی که در برخی از دانشگاهها و همچنین در برخی از

رشته‌ها مشاهده می‌شود، گویای آنست که نه تنها فریضه امر به معروف و نهی از منکر تضعیف گردیده است، بلکه بعضاً شئون اسلامی به راحتی زیر پا گذاشته می‌شود و کمیته انضباطی دانشگاهها و همچنین تشکلهای اسلامی و سایر بخشها و تشکیلات مسئول، با بی تفاوتی از کنار آن می‌گذرند. لذا روشن نمودن این وضعیت می‌تواند در راستای کار این تحقیق باشد.

۲- مدرک گرایی بدون داشتن روحیه علمی، معضلی است که جامعه را در حل مسائل و مشکلات ناتوان می‌سازد و فارغ التحصیلان را در مسیری قرار می‌دهد که جز به دریافت مزایای مادی، به چیز دیگری نیندیشند. در نتیجه، مدیرانی که مسئول برقراری نظام اجتماعی هستند، اکثراً خود را در برابر حل مشکلات ناتوان می‌بینند و آثاری که از تصمیم‌گیری آنان در جامعه نفوذ پیدا می‌کند، بعضاً نارضایتی عمومی را در بر دارد. حال جای این سؤال است که چه مقدار نابسامانیهای اجتماعی و مدیریتی، از وضعیت روحیه مدرک گرایی حاکم بر دانشگاهها نشأت می‌گیرد؟

د - بُعد سیاسی

موضوعات و مسائل قابل بررسی در بعد سیاسی دانشگاهها:

۱- کوتاهی و بی توجهی اساتید و مدرسین دانشگاهها در کشاندن دانشجویان به صحنه‌های مختلف سیاسی و طرح مسائل ملی و بین المللی در جهت روشن نمودن زوایای پنهانی رخدادهای و عدم تشویق و ترغیب دانشجویان به تحقیق و تفحص در این زمینه‌ها، موجب می‌شود که فعالیتهای سیاسی در دانشگاهها کم شود. دیدگاههایی وجود دارند که با طرح مسائلی از قبیل اینکه مشارکت دانشجویان در امور سیاسی به توان علمی و پیشرفت تحصیلی آنان لطمه می‌زند و یا اینکه دانشجویان بلوغ اجتماعی و سیاسی ندارند و فعال شدن آنها در امور سیاسی خساراتی برای دانشگاهها و جامعه به بار می‌آورد، سعی می‌کنند که از حوزه درسی دانشگاهها، طرح مسائلی سیاسی و اجتماعی را حذف کنند. این خطری است که قشر جوان دانشگاهی ما را که باید در آینده عهده‌دار مسؤولیتهای اجتماعی گردند و آرمانهای انقلاب را تحقق بخشند، تهدید می‌کند. حال با تأکیدی که رهبر معظم انقلاب بر مسئله مشارکت سیاسی دانشجویان نموده‌اند، باید بررسی شود که چه مسائل و مشکلاتی در مسیر این مشارکت وجود دارد؟

۲- حاکمیت جو سیاسی بر محیط دانشگاهها سبب خواهد شد تا دانشجویان متعهدی که نسبت به جامعه خود احساس مسئولیت می‌کنند، با تعمق در مسائل و تجزیه و تحلیل

پدیده‌ها، نظرات و راه‌حلهای سازنده‌ای را ارائه دهند و حامی و هادی دست اندرکاران امور برای پیشبرد اهداف متعالی نظام اسلامی باشند. اما محدود کردن فعالیتهای سیاسی، راه را برای طرح اندیشه‌های کلیشه‌ای باز و دانشجویان را از صحنه‌های سیاسی خارج می‌کند. حال با توجه به اینکه از شعائر و اهداف نظام اسلامی، ارتقاء شعور سیاسی - اجتماعی افراد جامعه و مخصوصاً دانشجویان بوده و می‌باشد چرا باید فعالیت‌های سیاسی دانشجویی رو به افول برود و یا از جانب طیف یا برخی مسئولان محدود گردد؟

۳- امروزه دانشگاهها اکثراً توسط کسانی که دیروز در صحنه‌های قیام و مبارزه حاضر بودند و در سخت‌ترین شرایط مبارزه می‌کردند و کوشش در برپائی نظام اسلامی نمودند، اداره می‌شود. حال با بی‌اعتنا شدن آنها به مسائل سیاسی، علاوه بر اینکه دیگران صحنه‌های سیاسی را به نفع خود اشغال خواهند کرد، دانشجوی مسلمان و انقلابی نیز متأثر از آنان خواهد شد و فردا که این گروه جای خود را به نسلی می‌دهد که در دوران انقلاب حضور نداشته و یا تخصص و تعهد اسلامی را دارا نیست، چگونه می‌توان انتظار داشت که نسل آینده پاسدار انقلاب بوده و بتواند پویایی دانشگاهها را در تمام زمینه‌ها حفظ کند؟ از طرف دیگر، سایر اقشار جامعه نیز در فعالیتهای سیاسی - اجتماعی خود به دانشجویان می‌نگرند و چنانچه دانشگاه نسبت به مسائل سیاسی - اجتماعی و ملی و بین المللی بی‌اعتنائی کند، بعید نیست که مردم جامعه هم بتدریج نسبت به آن بی‌اعتنا گردند. بنابراین، شناخت علل و عوامل بی‌اعتنائی دانشجویان نسبت به حضور در صحنه‌های سیاسی - اجتماعی و مرتفع نمودن این عوامل، در نهایت به پویایی و رشد بینش سیاسی - اجتماعی جامعه کمک خواهد کرد.

۴- آموزش دانش سیاسی - اجتماعی، موجب حرکت صحیح و آگاهانه دانشجویان در برخورد با پدیده‌ها و در نهایت تجزیه و تحلیل صحیح از پدیده‌ها و تقویت و نیرومندی نظام در حل مشکلات و نارساییهای داخلی و رفع توطئه‌های دشمنان خواهد شد. در این راستا مهم‌ترین وظیفه دانشگاهها و مسئولان آگاه به مسائل سیاسی، برنامه‌ریزی در جهت رشد آگاهیهای سیاسی دانشجویان است. تشکیل کنفرانسها، انجام سخنرانیها، برگزاری سمینارها و جلسات پرسش و پاسخ سیاسی و غیره... به این هدف یاری می‌رساند. در صورت وجود خلاء در زمینه‌های سیاسی، بینش دانشجویان نسبت به انقلاب اسلامی و مسائل جهانی بسیار تنزل خواهد کرد. حال باید دید آیا تغذیه سیاسی لازم در دانشگاهها انجام می‌شود؟

۵- حرکت‌های ناموزون سیاسی و باند بازیها، می‌تواند بر

تجزیه و تحلیل صحیح مسائل اعم از ملی و بین المللی تأثیر گذاشته و فعالیتها را در زیر چتر منافع گروهی قرار دهد و چنانچه فعالیت دانشجویان دلسوز، بخواهد منافع گروهی را تحت الشعاع قرار دهد، سخت مورد مخالفت قرار گرفته و با آن مقابله می‌گردد. حال باید بررسی نمود که فعالیتهای جناحی در دانشگاهها، تا چه میزان از صحت و سلامت برخوردار بوده و رعایت رشد فکر و اندیشه دانشجویان را می‌نمایند؟

۶- مخالفان حضور دانشگاهیان در صحنه‌های سیاسی، اغلب کسانی هستند که مستقیم یا غیر مستقیم از قدرت بهره‌ای دارند و تحمل مخالفت با آراء سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود را ندارند و نوعی جزمیت ذهنی و علمی بر آنان حاکم است. لذا برای تحمیل انحصاری عقاید خود با لطایف الحیل سعی در عقیم نمودن فعالیت سیاسی دانشگاهیان و حذف این گونه فعالیتها از برنامه‌ریزیهای کلان کشور را دارند. از جمله نمونه‌هایی که می‌توان بر شمرد، تضعیف تشکلهای خودجوش اسلامی با توسل به اتهام جو سازی و ایجاد تشکیلات موازی و ... است.

بدین لحاظ لازم است میزان حضور دانشگاهیان در صحنه‌های سیاسی مورد بررسی قرار گرفته و عوامل تضعیف مشارکت سیاسی آنان شناسایی شود.

۷- یکی از مشکلات قابل طرح این است که دانشجویان باید برای سخن گفتن حرفی داشته باشند تا بتوانند به عنوان یک روشنفکر، عقیده خود را مطرح کنند. چنانچه سیاستهای کلی و جزئی دولت، برای وی به وضوح توضیح داده نشود و یا با ادله‌ای ضعیف توجیه شود، راهی که دانشجویان در پیش می‌گیرند یا سر در لاک خویش فرو بردن و منزوی شدن و یا همگامی با موج نارضایتی‌ها خواهد بود و هر روز نیز مشکلی مضاعف، ایجاد خواهد کرد. بنابراین لازم است مسؤولان در جهت روشن کردن سیاستهای نظام برای دانشجویان گام‌های جدی بردارند و در برخورد با آراء و افکار متفاوت آنان، سعه صدر داشته باشند و دانشگاهیان را با سیاستهای نظام در تمامی ابعاد (سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ...) آشنا نمایند.

۸- وجود ترس و رعب در دانشجویان، مانع از اظهار نظر و بحث‌های سیاسی است. چنانچه وضعیت دانشگاهها به گونه‌ای باشد که اگر دانشجویی اظهار نظر سیاسی کند به عناوین مختلف انگ و برچسب ضد انقلاب به وی زده شود، چگونه می‌توان در دانشگاهیان چنین احساسی را بوجود آورد که باید در سرنوشت کشور خود نقش داشته و در صحنه‌های سیاسی مشارکت فعال داشته باشند؟ لذا بایستی بررسی شود که در محیط دانشگاههای ما تا چه میزان فضای امنی برای فعالیتها

سیاسی وجود دارد؟ و تا چه میزان مسؤولان و دانشجویان تحمل شنیدن عقاید مختلف را دارا می‌باشند؟ اینک پس از بیان عمده‌ترین مشکلات و نقاط آسیب پذیر دانشگاهها، به بررسی و تحلیل سؤالات پیش گفته پرداخته و پاسخها را براساس تحقیقات انجام شده و در حد مقدور بیان می‌نماییم.

۱- برنامه‌ها و مشکلات فرهنگی دانشگاهها

۱-۱- اوقات فراغت دانشجویان و برنامه‌های فرهنگی

حضور در کلاس برای دانشجو حکم تکلیف را دارد و به لحاظ روحی و روانی و نیازی که به فهم مطالب دارد، مسائل حاشیه‌ای را دنبال نمی‌کند ولی در زمان فراغت و حضور در جمع دوستان چون یک نوع تجماع و همخوانی روحی در وی بوجود می‌آید، مطالب بیشتر در ذهنش نقش می‌بندد.

برای جذب جوانان به سوی مسائل ارزشی، باید اوقات فراغت آنان را پر نمود. این مقصود می‌تواند با برنامه‌ریزی‌های فرهنگی، سیاسی و هنری قابل توجه و گسترده و متناسب با سلیقه‌های مختلف حاصل گردد. عدم توجه به مسئله اوقات فراغت، یک فرهنگ دو شخصیتی را در دانشجو و دانش آموز بوجود می‌آورد، فرهنگی که در سالهای اخیر در دانشگاهها و بخصوص در آموزش و پرورش رایج شده است، بدین صورت که دانشجو یا دانش آموز در محیط شخصی به شکلی و در محیط تحصیلی به شکل دیگری عمل می‌کند. البته تلاش در جهت رشد فرهنگی، بیشتر باید بر روی مهد کودکها و دبستانها و مقاطع پایین تحصیلی متمرکز شود و سعی شود که در اوقات فراغت، فرهنگ اسلامی آنها رشد داده شود، در غیر این صورت وقتی فرد وارد دانشگاه می‌شود، این فرهنگ دو شخصیتی آشکار شده، ایجاد مشکل می‌نماید.

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها مطابق اساسنامه مصوب، وظیفه دارد بر عملکرد فرهنگی دانشگاهها نظارت کند اما به دلیل عدم آمادگی و عدم برنامه‌ریزی و انجام کار فرهنگی وسیع و کافی، نقش این نهاد در پیشبرد اهداف فرهنگی چشمگیر نبوده است. در نتیجه، برنامه‌های فرهنگی رایج در دانشگاهها از جذابیت لازم برخوردار نشده و نمی‌تواند افراد را متحول نماید. در دوران به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی و مدتی بعد از آن، سخنرانی‌ها و راهپیمایی‌ها در رشد دانشجویان بسیار کارآمد بودند ولی امروزه کارایی چندانی ندارند. در شرایط امروزی دانشگاهها، علت اینکه دانشجو را در داخل دانشگاه نمی‌توان به طور جدی رشد داده و متحول نمود، هم کیفیت پایین برنامه‌ها و هم خوب عمل نکردن مجریان است و یا اینکه برخی برنامه‌ها در حد بسیار بالایی آرمانی است و در

شرایط فعلی قابل عمل نیست.

برنامه‌های فرهنگی رایج در دانشگاهها، شامل یکسری برنامه‌های مشخص است که توسط برخی نهادها اجراء می‌شود، نظیر برگزاری مراسم دعا، مسابقات حفظ و قرائت قرآن کریم و مراسمی که به مناسبت‌های مختلف هر سال برگزار می‌شود، مانند بزرگداشت روز دانشجو، وحدت حوزه و دانشگاه، سالگرد شهید مطهری و مرحوم دکتر شریعتی، ۲۲ بهمن که با شرکت همه نهادها برگزار می‌گردد و کلاسهای فوق برنامه و سخنرانی توسط اساتید که به صورت جداگانه در خوابگاه برادران و خواهران انجام می‌شود.

هدف برنامه‌های فرهنگی، رشد آگاهیهای اجتماعی و اسلامی و انتقال رهنمودهای امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری به دانشجویان است که در این راستا از افکار اندیشمندان حوزه و دانشگاه استفاده می‌شود. میزان موفقیت در اجرای برنامه‌ها، بستگی به همکاری و پشتیبانی مسؤولان و کارمندان دانشگاه و همین‌طور استقبال و تلاش دانشجویان دارد.

به طور کلی، برنامه‌های فرهنگی رایج در دانشگاهها گرایش به تعلیم و تربیت اسلامی دارند ولی هنوز به سطح مطلوبی نرسیده‌اند. به علاوه، بر سر راه این برنامه‌ها موانع و مشکلاتی وجود دارد، از جمله اینکه از زمانی که بیشتر توجهات برنامه‌ریزان معطوف به برنامه‌های اقتصادی شد، مسائل فرهنگی تحت الشعاع قرار گرفته و آن توجهی که مسؤولان جامعه به کارخانجات و واحدهای تولیدی دارند، به دانشگاهها ندارند و به نظر می‌رسد که اهداف فرهنگی کم‌رنگ و در مواقعی نیز فراموش شده‌اند.

۲-۱- امر به معروف و نهی از منکر

در شورای فرهنگی دانشگاهها چگونگی اجراء و عمل به این فریضه مکرراً مطرح شده و می‌شود، ولی به نظر می‌رسد که این بحث‌ها از مرحله گفتار فراتر نرفته است، مگر در موارد خاصی که برخی مدیران دانشگاهها شخصاً همت گماشته و تلاش‌هایی کرده‌اند که به وضوح، کافی نبوده است. البته دفاتر نهاد نمایندگی بیشترین تلاش را تاکنون داشته‌اند و تلاش کرده‌اند که این فریضه تعطیل نشود، ولی ضرورت دارد برای جریان یافتن فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، مطالعات لازم انجام و تمامی جوانب مورد نیاز سنجیده شود و برنامه‌هایی تهیه شود که با مقررات و تعالیم اسلامی انطباق کامل داشته و به صورتی حساب شده به اجراء گذارده شود.

۳-۱- عین شدن فرهنگ دانشگاهی و روحانی بایکدیگر

در راستای تحقق وحدت میان دو قشر دانشگاهی و حوزوی، حضور روحانیون در دانشگاههای کشور رو به

فزونی رفته است. با این وجود، تلاشهایی که تاکنون در راستای اهداف نظام اسلامی و به منظور استحکام پیوند حوزه و دانشگاه صورت گرفته تا حدی صوری به نظر می‌رسد و هر چند موفقیت‌هایی در شکسته شدن حد و مرز بین این دو قشر بنیادین جامعه بدست آمده، اما هنوز وحدت واقعی در قلمرو علمی و دینی میسر نشده است. به لحاظ قانونی، دفاتر نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاههای دولتی و دفاتر فرهنگ اسلامی در دانشگاههای آزاد اسلامی، موظف به ایفای این نقش‌اند و همچون پلی بین حوزه و دانشگاه عمل می‌کنند. بررسی میزان موفقیت این دفاتر و مشکلات و نارساییهای آنها، تحقیق مجزا و گسترده‌ای را می‌طلبد.

نظرات دانشجویان حاکی از آنست که از فضلاء روحانی در برنامه‌های فرهنگی دانشگاهها کمتر استفاده می‌گردد. این مسئله یا به علت بی‌رغبتی یا کمی فرصت فضلاء روحانی است که در برنامه‌های دانشگاه کمتر مشارکت و حضور فعال دارند و یا به این علت که برنامه‌های فرهنگی دانشگاه به گونه‌ای نیست که حضور و مشارکت آنان را در برنامه‌ها در حد مورد نیاز، فراهم سازد. با این حال، حضور این فضلاء در دانشگاهها بیشتر به منظور تدریس دروس عمومی معارف اسلامی و اخلاق است. در چنین حضوری، رابطه و برخورد اکثر دانشجویان با فضلاء روحانی مانند برخورد آنان با سایر اساتید است و ارزش و منزلت آنان در نزد درصد کمی از دانشجویان بر گرفته از پاسخ آنان به نیازهای فرهنگی، اعتقادی و معنوی دانشجویان در غیر از ساعات کلاس درس می‌باشد. به نظر نیمی از دانشجویان، فضلاء روحانی در زمینه برقراری انس و ارتباط با دانشجویان همانند دیگر اساتید غیر روحانی عمل می‌کنند و در این زمینه آن شأنی که از روحانی انتظار می‌رود در آنها دیده نمی‌شود و در زمینه هدایت فعالیت‌های سیاسی دانشگاهیان و بالا بردن بینش سیاسی دانشجویان، کاستی‌ها و ضعف‌هایی در آنان وجود دارد، در حدی که گاه یا اصلاً در این زمینه مطالعه و بررسی کافی ندارند و یا خیلی سطحی نظر می‌دهند.

نتایج به دست آمده از پژوهش‌های میدانی در میان دانشجویان، نشان می‌دهد که هر قدر روحانیون در دانشگاهها در زمینه‌های اجتماعی - سیاسی چهره موفق‌تری از خود بر جای گذارند، بر میزان محبوبیت و منزلت آنان در نزد دانشگاهیان افزوده می‌شود و در نتیجه از جایگاه با ثبات‌تری در دانشگاه برخوردار خواهند شد. همچنین از اظهار نظر دانشجویان مصاحبه شونده چنین بر می‌آید که در وضعیت فعلی، مشارکت روحانیون در برنامه‌های فرهنگی و سیاسی دانشگاهها و برقراری انس و ارتباط با دانشگاهیان در سطح

مطلوبی نیست و در نتیجه رسالت واقعی روحانیون در دانشگاهها به شایستگی محقق نگشته و بلکه در برخی موارد بر خلاف انتظار عمل شده است. بدین ترتیب، این نظریه به اثبات می‌رسد که: «علیرغم حضور فضلاء حوزه در دانشگاه، به منظور گسترش معارف اسلامی و تربیت نسل جوان و آشنا نمودن آنان با حقایق دینی، هنوز ارتباط مستحکمی بین این دو قشر بوجود نیامده است».

ناگفته نماند که مشکلات و نارسایی‌هایی نیز در این میان وجود دارد که برخی از آنها در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته است. از جمله مشکلات مهم این پیوند و وحدت، وجود بدبینی‌ها و نگرش‌های منفی و غلط حاکم بر افکار و اندیشه‌های برخی از چهره‌های شاخص در میان این دو قشر است. این امر موجب می‌شود که تصور برخی از دانشگاهیان نسبت به حوزویان چنان باشد که گویی روحانیون تنها به مسائل فقهی و دینی می‌پردازند و خود را از لمس کردن مشکلات جامعه کنار می‌کشند و در مقابل تصور برخی از حوزویان نیز نسبت به دانشگاهیان چنین شود که آنان هیچگونه تماس و برخوردی با مسائل معنوی ندارند. برای رفع این مشکل، لازم است قدم اول از طرف حوزویان برداشته شود و آنان با قبول بار مسئولیت مراقبت و هماهنگی جمعی، نگرش مثبتی را در حوزه و دانشگاه و نیز در کل جامعه ایجاد کنند.

از جمله موانع دیگر این وحدت، عدم تعریف و چگونگی برقراری ارتباط نهادینه و مستمر حوزه و دانشگاه است. با توجه به اینکه نظام آموزشی این دو پایگاه علمی کشور، عمدتاً متفاوت بوده و روحیات و نحوه زندگی این دو قشر نیز تا حدودی با هم متفاوت است، تا کنون برنامه‌ریزی نهادینه و جامعی که به طور اصولی استحکام روابط این دو قشر بینجامد مورد توجه قرار نگرفته است.

۴-۱- تأثیر معنوی روحانیون در دانشگاهها

دانشجو هر قدر ضعف اعتقادی و دینی داشته باشد، در مقابل روحانی وارسته احترام نگاه می‌دارد. روحانی‌ای که فقط به عنوان استاد در دانشگاه معرفی می‌شود، در نظر دانشگاهیان در ردیف سایر اساتید قرار دارد، اما در صورتی که همین شخص به اقتضای رسالت روحانی بودن خود در دانشگاه مطرح شود، دانشگاهیان دیدگاه دیگری نسبت به وی خواهند داشت. هر قدر روحانی حالت ربانی بیشتری داشته باشد، جامعه و دانشجو نیز وی را بیشتر می‌پذیرد. انتظار دانشگاهیان از روحانیون این است که دارای معنویت، قداست، صفا، صمیمیت، اخلاص و ... باشند و از قدرت طلبی و تحکم و تند خویی پرهیز کنند. میزان اقبال و توجه به روحانیون در دانشگاهها، بستگی مستقیم به درجه و

میزان وجود این خصوصیات در آنان دارد.

۵-۱- تأثیر فرهنگی دروس معارف اسلامی

براساس مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، دروس معارف اسلامی به عنوان واحد درسی در دانشگاهها در نظر گرفته شده و حضور فضلاء روحانی برای تدریس این دروس در دانشگاهها نیز تصویب شده است. در حقیقت دروس معارف اسلامی می‌تواند در حد مقدور خود، ارتباط علمی مناسبی بین حوزه و دانشگاه بوجود آورد، زیرا در صورتی که جایگاه علمی مناسبی برای این دروس بوجود آید، به طور طبیعی ویژگیهای مثبت حوزه به دانشگاه و ویژگیهای مثبت دانشگاه نیز به حوزه منتقل خواهد شد. گرچه در حال حاضر در رابطه با شیوه تدریس و میزان تأثیر همه اساتید دروس معارف اسلامی قضاوت همه جانبه و یکسانی نمی‌توان ارائه نمود، اما تحقیقات نشان می‌دهد که اکثر دانشجویان ضمن احترام به اساتید خود، درس آنان را جدی نمی‌گیرند و حتی مشاهده می‌شود که برخی دانشجویان نگرش مثبتی نسبت به اینکه استاد روحانی به کلاسشان برود ندارند. البته این مشکل، به برخورد روحانی در کلاس و نحوه تدریس وی و اینکه از نظر علمی و عملی تا چه میزان توانسته در کلاس جاذبه‌ای نسبت به موضوعات و معارف اسلامی و دینی بوجود آورد، نیز بستگی دارد.

۶-۱- گزینش اساتید روحانی

روحانیونی که وارد دانشگاه می‌شوند بایستی ویژگیها و صلاحیت‌هایی را دارا باشند. در ذیل به برخی از این ویژگیها که توسط مصاحبه شونده‌گان بیان شده اشاره می‌گردد:

الف- از لحاظ اخلاقی در سطح بسیار قوی و دارای سابقه درخشان باشند.

ب- خوش ذوق و خوش برخورد باشند و بتوانند جوانان را درک کرده و آنها را جذب کنند.

ج- اسلام را کاملاً بشناسند و بتوانند در بحث‌های خود، اسلام را آنطور که هست، زنده و پویا معرفی کنند. نقص آگاهی و کمبود معلومات اسلامی موجب برخورد نادرست و غیر علمی توسط روحانی می‌شود و چه بسا برخی دانشجویان این امور را به حساب ضعف معارف اسلامی بگذارند و از اسلام شوند.

د- از زبان و جو حاکم بر دانشگاه آگاهی داشته باشند.

ه- علاقه به فعالیت در دانشگاه داشته و در انجام کارها استمرار لازم را دارا باشند.

و- توانایی هدایت افکار سیاسی قشر دانشگاهی را دارا باشند.

نتایج تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که از نظر ۵۰٪

درصد دانشجویان، توانایی روحانیون در انجام فعالیت‌های فرهنگی دانشگاهی، رشد و هدایت سیاسی دانشجویان و بر طرف کردن مشکلات معنوی آنان مثبت تلقی شده و در مقابل ۴۶٪ درصد از دانشجویان، روحانیون را در زمینه برقراری انس و ارتباط با دانشجویان، هدایت فعالیتهای سیاسی و ارتقاء پیش دانشگاهیان ناتوان دانسته‌اند.

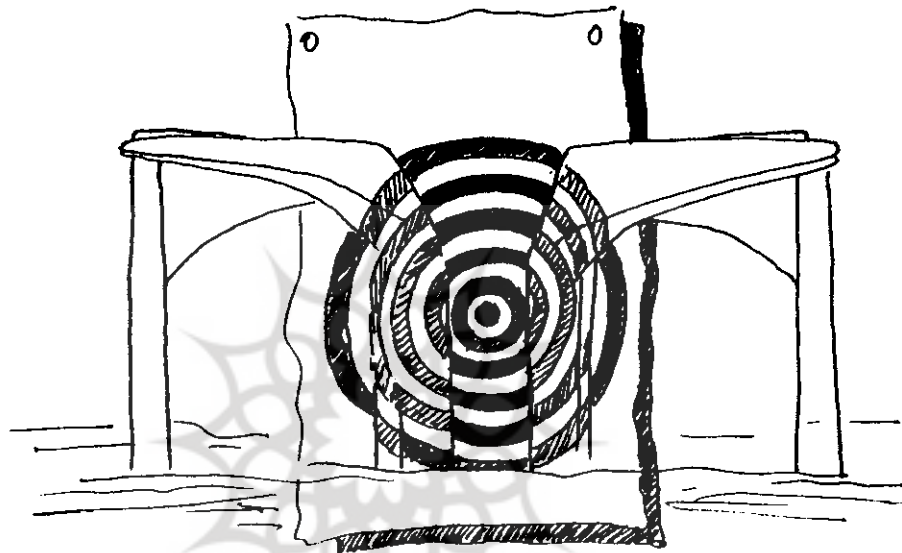
۷-۱- میزان مشارکت دانشجویان در برنامه فرهنگی از اولویت مهم برنامه‌ریزی فرهنگی در دانشگاهها، تنظیم برنامه‌هایی است که در جذب و جلب مشارکت دانشجویان موفقیت‌های جدی بدست آورد.

دانسته‌اند و ۴۵/۶٪ درصد نیز از نظر کمی و کیفی این برنامه‌ها را در سطح پایین ارزیابی کرده‌اند. ۸٪ درصد نیز پاسخی نداده‌اند. به طور کلی با توجه به یافته‌های تحقیق، این نتیجه قابل اخذ است که فعالیتهای فرهنگی در دانشگاهها متناسب با روند و اهداف عالی فرهنگی نظام در دانشگاهها (در مقطع فعلی) نمی‌باشد.

۲- مشکلات نظام آموزشی و پژوهشی دانشگاهها

۱-۲- افت کیفیت تحصیلی دانشگاهها

از آنجا که بررسی کیفیت تحصیلی باید براساس یکسری شاخص‌های استاندارد صورت پذیرد، در این تحقیق نیز سعی



بر این بوده است که یک نگرش اجمالی نسبت به این مسئله بدست آید.

مسلماً ارتقاء کیفیت تحصیلی در دانشگاهها مستلزم توجه به برخی از مسائل همچون رعایت آئین‌نامه‌ها و مقررات آموزشی، اعمال شاخص‌های استاندارد در برنامه‌های آموزشی، فضای آموزشی مناسب، وجود نیروی انسانی با تجربه و کارآمد، وجود امکانات آموزشی و آزمایشگاهی و ... می‌باشد.

در تمام دانشگاههای کشور، رشد کمی خوبی در تعداد دانشجویان و رشته‌های تحصیلی و تأسیس دانشکده‌ها مشاهده می‌شود که به مرحله بهره برداری رسیده و یا پس از چندی به بهره‌برداری خواهند رسید. از نظر تأسیس رشته‌های دانشگاهی، به ویژه در دانشگاه آزاد اسلامی رشد زیادی مشاهده می‌شود که موجب پذیرش ارقام بالایی از دانشجویان در این دانشگاه شده و در سالهای اخیر رشد چشمگیر و رو به افزایش داشته است.

اما در زمینه کیفیت تحصیلی دانشجویان، تحقیقات نشان

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که ۴۸/۴۰٪ درصد از دانشجویان در هیچیک از برنامه‌های فرهنگی همکاری و مشارکت نداشته و ۵۱/۵۰٪ درصد نیز در برخی از برنامه‌ها شرکت جسته‌اند.

همچنین ۳۶/۷٪ درصد از دانشجویان، برنامه‌های فرهنگی، هنری دانشگاهها را مطابق با اهداف عالی فرهنگی دانسته و بقیه دانشجویان این مطابقت را ضعیف ارزیابی نموده‌اند.

از طرف دیگر تنها ۸٪ درصد از دانشجویان از برنامه‌های فرهنگی دانشگاهها اعلام رضایت نموده و ۴۰/۲۰٪ درصد ناراضی می‌باشند و ۵۱/۸۰٪ درصد نیز تا حدودی اظهار رضایت نموده‌اند.

در پاسخ به سؤالی دیگر، ۹/۸٪ درصد از دانشجویان برنامه‌های فرهنگی دانشگاهها را از نظر کمی و کیفی در سطح بالا و مناسب ارزیابی نموده، ۲۰/۷٪ درصد این برنامه‌ها را از نظر کمی زیاد و از نظر کیفی کم محتوا دانسته و ۱۶٪ درصد برنامه‌ها را از نظر کمیت کم ولی از نظر کیفیت در سطح مطلوب

می‌دهد که به موازات گسترش کمی، سیر نزولی کیفیت تحصیلی دانشجویان افزایش یافته است و به طور کلی افت تحصیلی در تمام دانشگاهها مشاهده می‌شود. البته این مشکل ناشی از عواملی است که خود محتاج بررسی جداگانه است. در پژوهش حاضر برخی از عوامل مزبور مورد بررسی قرار گرفته که از مهمترین آن تنزل کیفیت نظام آموزشی دوران دبیرستان است. این تنزل کیفیت موجب شده که دانش آموز با سطح علمی پایینی وارد دانشگاه شود و قدرت درک مفاهیم و مطالب درسی دوره دانشگاه را نداشته باشد.

از مجموع نظرات دانشجویان چنین بدست می‌آید که اکثریت دانشجویان، علاقمند به تحصیل در رشته خود هستند. ۶۵/۳٪ درصد انگیزه خود از تحصیل را کسب علم و ارتقاء سطح آگاهیهای علمی و شغلی دانسته‌اند. گفتنی است که نزدیک به ۳۳/۸ درصد دانشجویان پاسخ دهنده در طول دوره تحصیلات دانشگاهی خود حداقل یک ترم را مشروط شده‌اند. با عنایت به یافته‌های پژوهش حاضر:

- ۱- علیرغم گسترش دانشگاهها در ابعاد کمی هنوز در کیفیت برنامه‌های نظام آموزشی تحول مهمی صورت نگرفته است.
- ۲- نرخ آموزشی دانشگاهها را نمی‌توان با اطلاعات گردآوری شده و موجود اثبات یارد کرد، چراکه با توجه به عدم شاخص گذاری علمی مطلوب نسبت به تحصیل دانشجویان در دانشگاهها، به جز نمره درسی معیار دیگری وجود ندارد تا براساس آن، اطلاعات مورد نیاز جمع آوری شده و مورد ارزشیابی قرار گیرد. بنابراین نتایج بدست آمده، رشد کمی در دانشگاهها به مراتب بیشتر از رشد کیفی بوده و بیشترین توجه مسئولان مصروف گسترش و افزایش امکانات و فضاهای آموزشی گردیده و ارتقاء سطح کیفی آموزشی و تحصیلی در برنامه‌های کلان آموزش عالی پیش بینی نشده است.

۲-۲- نارسایی‌های نظام پژوهشی دانشگاهها

در ذیل به مشکلات و مسائلی که مربوط به نارسایی‌های نظام پژوهشی در دانشگاهها است اشاره می‌گردد:

- ۱- اولین مشکلی که در مسیر فعالیت‌های تحقیقی مطرح می‌گردد، بودجه و امکانات است. محققین از وضع اقتصادی مطلوبی برخوردار نیستند و تحت حمایت قرار نمی‌گیرند. به گفته برخی از پژوهشگران: «تحقیقات شکم سیر می‌خواهد». علت این وضع نامطلوب در امر تحقیقات این است که دانشگاههای آزاد اسلامی، پیام نور و دولتی همه به استاد نیاز دارند، بنابراین هنگامی که استاد مشاهده می‌کند که به ازاء هر ساعت تدریس، بیشتر یا مساوی با مبلغی که در نتیجه تحقیق

عایدش می‌گردد، بدست می‌آورد تدریس پیاپی را بر تحقیق ترجیح می‌دهد. همچنین رقابتهایی که در تدریس وجود دارد، اساتید را به سوی تدریس بیشتر می‌کشاند و آنان را از پژوهش جدی و فعال باز می‌دارد.

متأسفانه بودجه تحقیقاتی نیز، بدون طبقه‌بندی متناسب با نیازهای پژوهشی دانشگاهها توزیع می‌گردد. این بودجه چنانچه در برنامه‌های تحقیقاتی مصرف نشود، برای اموری همچون خرید کتاب، مجله و یا وسایل سمعی و بصری و ... که تنها مواد خام پژوهش را تشکیل می‌دهد، به مصرف می‌رسد. به عنوان نمونه، از پنج سال قبل تاکنون یکی از دانشگاههای علوم پزشکی با حدود صد عنوان مجله خارجی مشترک شده و چهار محموله بزرگ کتاب خریداری نموده و یا ارقام بزرگی برای تجهیز سیستم‌های کامپیوتری خود هزینه نموده است، اما مشکل جذب محقق و پژوهشگر و استفاده صحیح از نیروهای پژوهشی مشکلی است که برای آن برنامه‌ریزی نشده و چاره‌ای نیندیشیده‌اند.

معمولاً به طور غیر مستقیم از کار دانشجویی در زمینه تحقیقات استفاده به عمل می‌آید و در مقابل مبلغی هم به دانشجو پرداخت می‌شود. اما ارزش این تحقیقات بستگی به راهنمایی کافی و امکاناتی دارد که در اختیار دانشجویان قرار می‌گیرد و با توجه به ضعف برنامه‌ریزی در این بخش، متأسفانه از سطح مطلوبی برخوردار نیست. کمترین چاره این مشکل آن است که از اساتید دائماً خواسته شود که با صرف وقت بیشتر، از نیروهای پژوهشی دانشجویان، استفاده بهینه و مطلوب بنمایند. نکته مهم آن است که توان تحقیقاتی دانشجویان را دست کم نگیریم.

۲- یکی دیگر از نارساییهای موجود، عدم آشنایی بسیاری از اساتید و دانشجویان با شیوه‌های تحقیق است. با اینکه در برخی از رشته‌ها واحدهایی برای آشنایی دانشجویان با شیوه‌های تحقیق در نظر گرفته می‌شود، اما هنوز روش‌های تحقیق برای دانشجویان جا نیفتاده است و در نتیجه انگیزه‌ای برای تحقیق در آنان مشاهده نمی‌شود. البته تحقیق به معنای واقعی آن، برای دوره کارشناسی مورد انتظار نیست، زیرا در این دوره دانشجو تنها باید دانش و غنای فکری خود را افزایش دهد و چنانچه تحقیقی باشد، در حد همان تکنیک‌هایی است که دانشجو در راستای آموزش به منابع مختلف مراجعه کرده و زاویه دید خود نسبت به موضوع را گسترش می‌دهد.

از سوی دیگر، بی‌علاقه بودن برخی اساتید به تدریس زنده و فعال و اشتیاق به تدریس بدون مطالعه و تکرار مطالب (در موارد بسیاری مشاهده می‌شود که اگر محتوای کلاس

استادی از ۱۰ سال قبل تاکنون بررسی گردد، تغییری در سخنانش یافت نمی‌شود) موجب شده که این تکرار و کسالت به تحقیقات دانشجویی هم سرایت نموده و به آن نیز وقعی گذارده نشود و دانشجو به جای تحقیق و تنها برای کسب نمره، تکلیفی را رونیسی کند و از راهنمایی و مشاورت استاد در تحقیق محروم بماند. در دانشگاه‌های تربیت معلم، به لحاظ وجود رشته‌های دبیری انگیزه تحقیق و پژوهش ضعیف‌تر از سایر دانشگاه‌هاست و بسیاری از اساتید این دانشگاه‌ها عقیده دارند که کارشان چندان به تحقیقات مربوط نمی‌شود، در حالی که واقع امر این است که معلم بایستی به آن درجه‌ای برسد که با افق بهتری به مسائل نگاه کند تا بتواند آگاهیهای مفید و علمی را به متعلمین خود منتقل کند.

۳- یکی دیگر از مسائل و مشکلات در مسیر پژوهشهای دانشگاهی، عدم ارتباط سازمان یافته دانشگاهها با مراکز و بخش‌هایی است که نیاز به پژوهش دارند. به همین دلیل در دانشگاهها، پژوهش روندی هدفدار پیدا نکرده و بیشتر با توجه به زمینه‌هایی تخصصی اساتید، بر روی موضوعاتی که اساتید خود انتخاب می‌کنند کار می‌شود. در نتیجه، نتایج بسیاری از پژوهش‌ها نمی‌تواند ثمره کاربردی داشته باشد و نیاز و خواسته برنامه ریزان جامعه و دستگاههای نیازمند تحقیق را برآورده سازد. علت اصلی این مشکل، عدم ارتباط کافی میان برنامه ریزان جامعه با دانشگاه و بالعکس است و موجب می‌شود بدون انجام تحقیقات کافی، برخی طرح‌ها مهم جلوه کند و بعضاً به طرحهای پر خرج و کم فایده بها داده شود و نیروها به سمت آن هدایت شوند و طرح‌های مهم و حیاتی معقول بمانند.

۳-۲- رابطه محتوای آموزشی دانشگاهها با نیازهای جامعه داشتن انگیزه و پویایی و تحرک استاد و دانشجو برای پژوهش و در راستای آموزش یکی از جنبه‌های مهمی است که دانشجویان را با شیوه پژوهش آشنا و آنان را در آموزش و تعلیم نیز موفق می‌نماید. این نکته نیز قابل توجه است که پژوهش و تحقیق با رشته‌های تحصیلی موجود در دانشگاهها رابطه‌ای مستقیم دارد. در این زمینه اشاره به دو نکته مهم لازم است.

الف - محتوای بسیاری از رشته‌های تحصیلی دانشگاهی رابطه‌ای تنگاتنگ با نیازها و مشکلات جامعه ندارد. در مواردی متعددی مشاهده می‌شود که افرادی با عالی‌ترین مدارک تحصیلی در جامعه مشغول به فعالیت می‌شوند، اما از عهده رفع ابتدایی‌ترین مشکلات در حوزه تخصصی خود بر نمی‌آیند. علت اصلی این، شکل، این است که اندوخته‌های این افراد با مشکلات واقعی موجود در جامعه انطباق کامل ندارند. به عنوان نمونه، امروزه رشته مدیریت در اکثر مراکز دانشگاهی دایر است

ولی مدیر کار آمد و با تجربه کم است، و اصولاً این انتظار وجود ندارد که این رشته‌ها تربیت کننده مدیران سطوح مختلف جامعه باشند.

ب- در رشته‌های علوم طبیعی و صنعتی که تا حدی جنبه کاربردی دارند، دانشجو پس از اتمام دوره تحصیل و ورود به محیط کار، به هر حال از محتوای مطالبی که آموخته استفاده می‌کند و ارتباطی تخصصی میان خود و محیط کار و جامعه برقرار می‌کند، ولی شکل توسعه یافته آن این است که دانشگاهها با جامعه باید ارتباطی مستقیم و وسیع داشته باشند و گروه‌های اصلی اشتغال‌زا، گروه‌های دانشگاهی باشند، اما این وضعیت در جامعه ماکتر به چشم می‌خورد. متأسفانه آموزش عالی در کشورهای جهان سوم و کشور ما یک حالت لوکس و تزیینی دارد و هدف، نائل شدن به مدرک است. این چنین آموزشی در متن جامعه حرکت نمی‌کند و با مشکلات واحدهای فردی و اجتماعی برخورد متقابل ندارد و تنها به نیازهای شغلی تحصیل کننده، جواب مقطعی می‌دهد. در این آموزش، دانشجو برای ارتقاء شغلی و نه برای یادگیری فرهنگ هماهنگی و خلاقیت در واحدهای اشتغال، مدرک می‌گیرد.

۳- مشکلات و نارسایی‌های اجتماعی

۱-۳- مشکل مدرک گرایی

برای ارزشیابی افراد در یک نظام آموزشی، باید معیارهایی معتبر و جدی وجود داشته باشد. همچنین در نظام سازمان اجتماعی، برای تشخیص و طبقه بندی افراد باید معیارهای مشخص و فراگیری مورد توجه قرار گیرد، در غیر این صورت نوعی اغتشاش و درهم ریختگی در ارزشیابی صلاحیت و توانایی افراد بوجود می‌آید. در همه کشورها و در تمام مراکز دانشگاهی و علمی همواره ارزشیابی علمی افراد در قالب مدرک معینی انجام می‌پذیرد، ولی متأسفانه ولع دریافت مدرک تحصیلی، نظام اجتماعی ما را دچار مشکل کرده است. به ویژه، برای رفع نیازهایی که در برنامه پنج ساله دوم وجود دارد به کارگیری تعداد وسیعی نیروی متخصص پیش بینی شده است، کارشناسانی که باید دارای مدرک تحصیلی خاصی باشند. در نتیجه، برای ورود به بازار کار رقابت سختی بوجود می‌آید، رقابتی که اصلی‌ترین محمل آن مدرک تحصیلی است. بنابراین، برای جوانان جامعه، کلیه گام‌های ارتقایی در امر شغل، آموزش و پرورش معطوف به مدرک تلقی می‌شود. اگرچه مدرک تحصیلی، معیاری مهم و جدی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت، ولی با توجه به مشکلات و رقابتهای پیش گفته وضعیتی پدید آمده که محتوای مدرک و توان واقعی دارنده مدرک به اندازه خود مدرک مورد توجه قرار نمی‌گیرد و تنها گرفتن

مدرک، مهمترین هدف تحصیلی بخش اعظمی از دانشجویان به شمار می آید.

اگر دارنده مدرک حداقل ۵۰٪ یا ۶۰٪ درصد بار علمی مورد نیاز آن مدرک را واقعاً داشته باشد، باز هم قابل اعتبار و ارزش است، اما با توجه به وجود مراکز متعدد آموزشی و خصوصاً مراکز آموزشی غیر دولتی که عمدتاً به تولید مدرک تحصیلی مشغولند و ارزش واقعی مدرک آنها مورد ارزیابی جدی قرار نگرفته است، مدرک را نباید در رأس معیارهای برتری علمی و اجتماعی جای داد.

برای جوانان ورود به دانشگاه و قرار گرفتن در سلوک دانشجویی یک آرزو است و جوانان با این انگیزه از ورود به دانشگاه استقبال می کنند. قبل از ورود به دانشگاه، جاذبه دانشگاه صورت های جدیدی از زندگی را برای جوانان ترسیم می کند، اما پس از ورود به دانشگاه و برخورد با ضد ارزش هایی نظیر مدرک گرایی، امیدها و انگیزه های قبلی دانشجویان سست می شود و در نتیجه، این پایگاه علمی برای دانشجویان جاذبه و اهمیت قبلی خود را از دست می دهد و آنان هویت خود را به عنوان یک دانشجو عملاً رها می کنند و انگیزه هایشان نسبت به گذشته کاملاً متفاوت می گردد.

در شرایط فعلی، عدم انسجام در برنامه ریزی رشته های آموزشی و نارسایی های متعدد در تدریس دروس تخصصی، برای دانشجویان معضلاتی جدی بوجود آورده و مجموع نظام آموزشی را دچار مشکل کرده است، به گونه ای که هدف عینی و عملی این نظام، در راستای کمک و تشویق دانشجویان به گرفتن مدرک بدون بار علمی کافی قرار گرفته است.

۲- ۳- پیامد مدرک گرایی

مهم ترین پیامدهای مدرک گرایی را می توان در موارد زیر بر شمرد:

الف- هرز رفتن وقت و استعداد دانشجو که بابتی علائقی به محتوای دروس و فقط به خاطر اخذ مدرک تحصیلی در یک رشته ادامه می دهد.

ب- جامعه اسلامی در موقعیتی است که نیاز به افراد متخصص و کارآمد دارد و چنانچه انگیزه دانشجویان از تحصیل فقط کسب مدرک باشد، نمی توانند شایستگی های علمی لازم را احراز نموده و نیروهای دلسوز و متعهد و مطمئن برای جامعه باشند.

ج- متأسفانه مدرک گرایی، تعهد را تحت الشعاع قرار می دهد و این از پیامدهای منفی آن است که باید جدی گرفته شود مدرک گرایی ارزش تعهدات اجتماعی و دینی و حیثیت های اخلاقی را کم رنگ و یا حتی حذف می نماید و تمایز شخصیتی میان افراد را به شدت کاهش می دهد.

۳- ۳- علل مدرک گرایی

عللی که جوانان را به سوی مدرک گرایی سوق می دهد، می توان در مورد زیر خلاصه نمود:

الف- تنظیم مزایای حقوقی و مالی و رده های شغلی و تفاوت های حقوقی براساس مدارک تحصیلی افراد، از علت های مهم و اصلی مدرک گرایی است. براین مبنای، تمامی تلاش افراد در جهت کسب مدرک بالاتر و در نتیجه مزایای شغلی بیشتر بدون توجه به کسب شایستگی های علمی و عملی قرار می گیرد.

ب- وجود مشکلات اقتصادی برای بخش اعظمی از دانشجویان موجب شده که دانشجو سعی نماید به هر ترتیب ممکن و هر چه زودتر دوره تحصیلات را به اتمام رسانده و از مدرک تحصیلی خود برای اشتغال استفاده نماید. این وضعیت، فرصت تلاش آموزشی شایسته و مطالعه کافی را از دانشجو سلب می نماید و در نهایت دانشجویان را تنها به سوی گرفتن مدرک سوق می دهد.

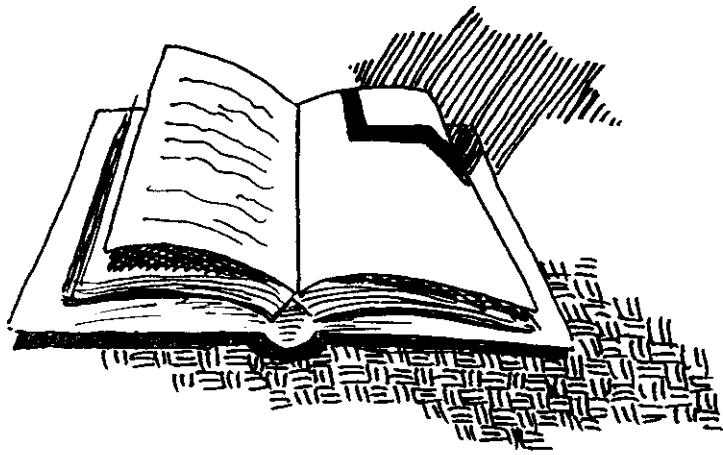
ج- عدم سخت گیری دانشگاهها نسبت به ارتقاء تحصیلی دانشجویان موجب شده است که ارزش مدرک تحصیلی دانشگاهها کم شود. از آنجایی که کشور ما نیازمند ارتقاء سطح علمی، آموزشی و پژوهشی دانشگاهها است، لازم است که دانشگاهها جدی تر با این مسئله برخورد کنند و از طرفی دستگاه های رسمی هم در به کارگیری افراد، بنا را بر جذب افراد قوی تر و پر محتوا تر بگذارند، تا هماهنگی کافی بین دانشگاهها و بازار کار در حفظ ارزش علمی مدرک تحصیلی بوجود آید.

۴- سیاسی شدن دانشگاهها

۱- ۴- ضرورت طرح مسائل سیاسی در دانشگاهها

یکی از وظایف دانشجو کندوکاو و بحث پیرامون پدیده ها است و آنچه را که در دانشگاهها نتواند در بحث و مناظره بدست آورد، قطعاً در جای دیگری جستجو خواهد کرد، پس باید دانشگاه را در چارچوب ضوابط و مقررات نظام، پایگاه اصلی بحث و مناظره و تفکر قرارداد. تمایل به مباحثه همانند تمایل به هنر، به عنوان یکی از خصلت های کمال جویی انسان است که اگر وزارت ارشاد اسلامی جهت تقویت روحیه هنر جویی جوانها خود اقدام کند و برای پرورش این استعدادها گام بردارد، علاوه بر اینکه این قشر از جامعه را به سوی خود جذب می کند، به نحو شایسته ای نیز می تواند آنان را در مسیر صحیح راهنمایی کند؛ در غیر این صورت اینان به برنامه های هنری نادرست و مبتذل روی آورده و مسیر انحرافی را در پیش می گیرند.

اگر بحث های سیاسی در دانشگاهها محدود گردد، مطمئناً این بحثها به جایی غیر از محیط دانشگاه کشیده خواهد شد، اما



به شکلی جریانی و جناحی و یک طرفه و غیر علمی که دانشجوی در آن رشدی نخواهد یافت. وجود بحث و مناظره سیاسی، تحت هدایت و نظارت فضاء و برجستگان حوزه و دانشگاه، هم به شکل گیری صحیح فعالیتهای دانشجویی کمک می کند و هم به نیاز دانشجویان در قالب الگویی نظام مند و صحیح پاسخ داده می شود. فرهنگ بحث و جستجو، دانشجو را در کنار تحصیل در ابعاد دیگر نیز رشد می دهد و ضمن آشنا کردن وی با زندگی اجتماعی و واقعیت های نهفته در آن، احساس مسؤلیت پذیری را نیز در او تقویت می کند. یافته های این تحقیق بیانگر آنست که تاکنون الگویی صحیح از فعالیتهای سیاسی دانشجویی، خارج از افراط و تفریط های غیر منطقی، ارائه نشده است. آنچه تاکنون تجربه شده نمونه های افراطی و تفریطی فعالیت های سیاسی دانشجویی است، نظیر اینکه برخی از دانشجویان و تشکل های دانشجویی در فعالیتهای سیاسی در موضع مخالفت با مسؤولین قرار می گیرند و اقدام به کارهای مخرب و خلاف ضوابط می کنند و برخی دیگر همواره مدافع چشم و گوش بسته و توجیه گر نابخردی مسئولانی اند که از لحاظ جناح سیاسی به آنان دل بسته اند. به دلیل این افراد و تفریط ها، گاه حرکت هایی جهت محدود کردن و حذف فعالیتهای سیاسی دانشجویان صورت می گیرد، تلاش هایی که با هر انگیزه و نیتی که باشد، ثمره اش پژمرده شدن روح تلاشگر و فعال دانشجویان است. از لحاظ فعالیت سالم سیاسی، وضعیتی که امروزه دامنگیر دانشگاهیان ماست، رکور و بی ارزش شدن فعالیتهای سیاسی در دانشگاههاست. این وضعیت، نشأت گرفته از عواملی است که از یک سو به جو حاکم بر دانشگاهها و از دیگر سو به روحیات افراد بر می گردد.

اصولاً سیاسی بودن دانشجو نه تنها به او لطمه ای نمی زند و افت تحصیلی او را در پی نمی آورد، بلکه به زاویه دید و بینش دانشجو ابعاد جدیدی می بخشد، او را صاحب اندیشه می کند، علم آموزی را در او تقویت می کند و بالاخره سیاسی بودن دانشجو موجب مؤثر بودن او در جامعه می شود و به زندگی فردی و اجتماعی وی معنا می دهد.

۲-۴ - علل افت فعالیتهای سیاسی در دانشگاهها

دانشگاهها معمولاً از نظر سابقه تاریخی دارای جایگاه سیاسی بوده و دانشجویان در امور سیاسی شرکت فعال داشته اند. حال در این مقطع زمانی، طرح بحث سیاسی کردن دانشگاهها را نمی شود جدای از عواملی دانست که در سالهای گذشته موجب کاهش فعالیت های سیاسی دانشجویان شده اند و چنین مطرح کرد که چرا دانشگاهها فعال نیستند؟ قبل از طرح برخی از این عوامل، شایان توجه است که افت فعالیتهای

سیاسی در دانشگاههای بزرگ کشور که سابقه فعالیت مفید سیاسی داشته و یا دانشگاههای دیگری که سابقه فعالیت سیاسی خوبی بعد از انقلاب داشته اند، نیز مشهود است. متأسفانه در کل جامعه هم با کاهش گستره فعالیت های سیاسی روبرو هستیم.

بدیهی است، از دوران جنگ که تلاشها معطوف به مسائل جنگ شد و چند سال اول پس از جنگ که همه فعالیتها به سوی باز سازی متوجه گشت، نمی توان همان روند سیاسی فعال اوایل انقلاب را انتظار داشت، ولی رکود عمومی در فعالیت های سیاسی تا این اندازه که در سالیان اخیر نمود پیدا کرد، قابل قبول نیست. مسلماً هر چه ما از مبدأ پیروزی انقلاب فاصله بگیریم، این نسل با نسل بعدی نیز از لحاظ مختصات انقلابی فاصله می گیرد، اما اگر این فاصله، در مسایل سیاسی موجب بی اعتنائی نسل انقلاب کننده به نسل جدید شود، خسارات جبران ناپذیری به آینده سیاسی جامعه وارد می شود. رکود سیاسی سالهای اخیر، از این دیدگاه غلط نشأت گرفته است که در نظام مبتنی بر ولایت فقیه به دلیل اینکه جامعه همواره هدایت و رهبری دینی می شود، افراد نیازی ندارند که وارد جزئیات شده و خود را درگیر مسائل سیاسی کشور کنند. بخشی از رکود سیاسی نیز به عملکرد برخی از مسؤولان بر می گردد که معتقدند دانشجویان نباید وارد مسائل سیاسی شود و فعالیت های سیاسی دانشجویان را همچون زنگ خطری در جهت سست شدن پایه های مدیریت خود می پندارند. برخی از مسؤولان دانشگاهها نه تنها برای فعالیت سیاسی دانشجویان اهمیتی قائل نمی شوند بلکه از اظهار نظر و انتقادات دانشجویان همواره احساس خطر می کنند و بعضاً مشاهده شده که دانشجویان را به بهانه های دیگری مورد مؤاخذه و مخالفت قرار می دهند. چنین برخوردی عملاً دانشجویان را به زندگی ساکت و غیر انتقادی و غیر سیاسی سوق می دهد و پیامدهای خطرناکی برجای می گذارد.

امروزه بخش قابل توجهی از دانشجویان ما نسبت به مسائل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و ... نظام، بی اطلاعند و از

همین رو آمادگی انجام فعالیت سیاسی را ندارند. از سوی دیگر، شکل های سیاسی دانشجویی که مایل به انجام فعالیت های سیاسی هستند، راه انجام فعالیتها را به درستی طی نمی کنند و همواره فعالیت سیاسی را مساوی با مخالفت با مسئولان می انگارند و فعالیت سیاسی سازنده و مشارکت در حل مشکلات جامعه در دستور کار فعالیت سیاسی آنان نیست.

۳-۴ - ریشه های اختلاف در میان شکل های دانشجویی

الف - چنین استنباط می شود که تشکلهای سیاسی در دانشگاه تا حدی به دنبال مصالح گروهی خود بوده و به علت داشتن روحیه درگیر شدن با رؤسای دانشگاهها و مسائل اداری، نتوانسته اند افراد کارآمدی را جذب نمایند. دانشجویان جدیدی هم که به این مجموعه اضافه می شوند، دنبال رو خط مشی تعیین شده قبلی اند.

بیشتر اختلافات شکل های دانشجویی از نوع صنفی و تدارکاتی است، مثلاً نامناسب بودن وضعیت خوابگاهها، کمبود وسایل و امکانات و یا اختلاف به علت برخورد نامناسب برخی مسئولان و تبعیض نسبت به آنان بروز می نماید.

ب - بخشی از اختلافات بین تشکلهای سیاسی به عملکرد مسئولان دانشگاهها مربوط می شود که حدود و وظایف و اختیارات این تشکلهای را در عمل مشخص نمی کنند. در برخی موارد، قوانین و شرح وظایفی وجود دارد که کاملاً واضح نیستند و مسلماً برداشت های مختلفی از آنها می شود و یا ممکن است برخی تشکلهای بهره برداری سویی از این قبیل قوانین کرده و با آن مقابله کنند. مسئولان باید خواسته های غیر منطقی دانشجویان را باسعه صدر گوشزد نموده و واقعیت های موجود را برای آنان بیان کنند. البته وجود مشکلات ناپیستی ناشی از ضعفها و کم کاریها باشد. مشکلاتی از قبیل کمبود بودجه، محدودیت های ناشی از مقررات و قوانین و ... وجود دارند که اگر دانشجویان از آنها اطلاع کافی داشته باشند، قانع خواهد شد.

ج - یکی از عواملی که دانشجویان را به شرکت در فعالیت های سیاسی متمایل می کند، بحث و انتقاد است. این امر، خود آزادی اظهار نظر و انتقاد را می طلبد. در اکثر موارد، مسئولان تا آنجایی که به مصلحت دانشگاه و کشور است به اعتراضات و انتقادات دانشجویان توجه می نمایند، ولی در مواردی که آنان خواسته اند خط مشی تعیین کنند و در انتصابات دخالت نمایند مورد پذیرش واقع نگردیده است. بنابر نتایج این پژوهش، اکثر دانشجویان اظهار نظر نموده اند که از سوی مسئولین به خواسته های آنان توجه نشده است.

د - یکی از عوامل به وجود آورنده اختلافات، حاکمیت عده ای سودجو است که از رفاه اجتماعی برخوردارند و با

فراهم کردن زمینه و کشاندن افراد دلسوز و علاقه مند (که اکثریت را تشکیل می دهند) به سمت رفاه طلبی، اعتراضات دیگران را بر می انگیزند و این مسئله نارضایتی دانشجویان را به دنبال خواهد داشت.

ه - مسلماً در صورت وجود هماهنگی و همکاری در میان تشکلهای فرهنگی و سیاسی دانشجویی با دانشگاه، نتایج مفیدتری حاصل می گردد، ولی متأسفانه در موارد بسیاری هماهنگی وجود نداشته و در بعضی موارد هم که پیشنهاد درست و مفیدی از سوی دانشجویان عنوان شده، چون از هماهنگی و پشتیبانی مسئولان دانشگاه برخوردار نبوده نتیجه مفیدی نیز در بر نداشته است.

۴ - ۴ - راه حل های سیاسی نمودن دانشگاهها

الف - عاملی که باید تربیت و تحرک سیاسی در جامعه و خصوصاً دانشگاهها ایجاد نماید، مسئولان و دولتمردان می باشند. مسئولان باید با روزنامه ها و افرادی که انتقاد می کنند، برخورد مناسب داشته و تفکر سیاسی بودن را ترویج کنند و راههای ارتقاء و بروز افکار سیاسی را باز بگذارند، زیرا نیروی سیاسی سالم نیرویی است که می تواند آفات جامعه را شناسایی و ریشه کن نماید. برخورد مسئولان با گروه های سیاسی دانشجویی این شبهه را تقویت می کند که فعالیت سیاسی دانشجویان جدای از دولت، پسندیده و مورد قبول نیست.

هرگاه تفکرات حضرت امام (ره) حاکم گردد، دانشجویان سیاسی می شوند، اما نکته قابل توجه اینست که فضای انتقال افکار سیاسی در جامعه دانشگاهی ما هنوز پایگاه خود را به درستی نیافته است. ایجاد پایگاه، نیازمند یک موقعیت و فضای باز در چارچوب مقررات است. اگر فعالیت سیاسی یک جانبه شود ایجاد حساسیت و ازدگی می نماید، در نتیجه دانشجویان استاد نظرات انتقادی و حتی مخالف خود را اظهار نظر نمی کنند و بتدریج به محافظه کاری و انزواری می آورند و این مشکلی است که باید به شکلی معقول و منطقی و با مطالعه کافی (به طوری که محل مانور و هرج و مرج گروه های معاند نباشد) باید حل شود.

ب - ارتقاء دانش سیاسی دانشجویان، جدای از برنامه های آموزشی رایج هر رشته و به شکل برنامه های فوق العاده لازم است. گرچه نظام آموزشی دانشگاه ملزم نیست که برنامه های سیاسی خاصی را ارائه دهد، ولی از آنجایی که دانشجویان اشتیاق و آمادگی شرکت در برنامه های فوق العاده مانند جلسات پرسش و پاسخ، سمینارها و ... را دارد، لازم است هدایت فکری و ارتقاء شعور سیاسی دانشجویان در قالب این برنامه ها گنجانیده شود. نظر برخی صاحب نظران این است که برای رشته های دانشگاهی

لازم است چند واحد آموزش مبانی سیاسی گنجانیده شود و در کنار آن اگر انجمنی از صاحب نظران و دانشجویان برای تبادل افکار سیاسی تشکیل گردد، برای ارتقاء سطح بینش سیاسی دانشجویان مفید خواهد بود.

اگرچه رسانه‌های گروهی، بسیاری از آگاهی‌های سیاسی را ارائه می‌دهند ولی کانون آگاهی و جستجو در موضوعات سیاسی دانشگاه است.

ج - دانشجو برای انجام فعالیتهای سیاسی باید احساس امنیت نماید و اگر در چارچوب قانون حرفی زد و فعالیتی کرد مشکلی برایش بوجود نیاید. برای این منظور آزادی دانشجویان باید در حد اعتدال حفظ شود و دانشگاه نیز امنیت لازم برای فعالیتهای سیاسی دانشجویان را بوجود آورد.

د - چون از دانشجو و استاد انتظار شرکت در فعالیتهای سیاسی می‌رود، پس باید از برنامه‌ها و سیاست‌های نظام مطلع باشند. امروزه این انتظار وجود دارد که مطالب مربوط به سیاستها و برنامه‌های نظام برای دانشجویان در گفتگوی مستقیم مطرح شود و ضرورت دارد که واقعیت‌ها کاملاً برای دانشگاهیان بیان شود و اخبار و اطلاعات به موقع و در حداقل زمان به آنان ارائه گردد تا دانشگاهیان برای کسب آگاهی‌های سیاسی وابسته به رسانه‌های غیر معتبر و دروغ‌ساز استکبار نشوند.

ه - یکی از مشخصات تعلیم و تربیت اسلامی این است که با اندیشه‌ها برخورد منطقی می‌شود. نمونه‌های این برخورد منطقی در تاریخ اسلام فراوان است.

سیاسی شدن دانشگاه به این معنا است که تبادل افکار و برخورد اندیشه‌ها صورت گیرد، اما بدون آنکه با هیجانات و برخوردهای احساسی همراه شود. متأسفانه در دانشگاههای ما بعضی از دانشجویان با اینکه از اعتقادات اسلامی برخوردارند، با اساتید برخورد درست و منطقی نداشته و شأن آنان را رعایت نمی‌کنند. چنین برخوردی، باعث می‌شود که برخی افراد نامطلوب چهره دانشگاههای ما را نزد دیگران مشوه جلوه داده و زیبایی‌های نهفته در تربیت اسلامی را وارونه معنا کنند.

در فرهنگ رشد یافته اسلامی، برخورد اندیشه‌ها وجود دارد ولی هیچگاه به افراد بی‌احترامی نمی‌کنند و بدون هر گونه هیاهو و جار و جنجال و تلاش برای بهره‌برداری سیاسی، به بحث و مناظره علمی می‌پردازند. باید حریم دانشگاه و احترام به استاد که اساس فرهنگ اسلامی و دانشگاهی است حفظ شود و موارد اختلاف نظر، در چارچوب قوانین مصوب عمل شود.

و - برای سیاسی کردن دانشگاه لازم است هدف از فعالیت سیاسی مشخص شود. چنانچه هدف، دادن کرسی تبلیغ به

جریانات و گروه‌های سیاسی موجود در جامعه باشد، فعالیت سیاسی به بیراهه خواهد رفت زیرا جوان زندگی را عمدتاً از دید عاطفی می‌بیند و گروه‌های سیاسی‌ای که بدنبال قدرت هستند، از احساسات و عواطف وی سوء استفاده می‌کنند. اگر هدف از فعالیت سیاسی آشنایی و مشارکت دانشجویان در جریانات دینی، ملی و اطلاع از جریانات جهانی باشد، هدفی مطلوب و منطقی است.

ز - به اعتقاد برخی صاحب نظران، حضور دانشجویان در مسائل سیاسی کشور به صورت گروه‌های فراوان و جناحهای متضاد راه نمی‌تواند یک امر مثبت به حساب آورد. فعالیت سیاسی در دانشگاه باید حالت منطقی و متعادل داشته باشد. یعنی نه حالت بی‌بند و باری و کنترل نشده اوایل انقلاب و نه حالت منفعل کنونی، هیچکدام مطلوب نیست. دانشجو باید شعور، اخلاق و ادب سیاسی داشته باشد و متناسب با شأن دانشجویی خود وارد فعالیت سیاسی شود.

ح - تمایل برخی مسؤولان به افراد متملق و چاپلوس و افرادی که تعهد اسلامی ندارند، موجب می‌شود که افراد دلسوز از نزدیک شدن به مسؤولان خودداری کنند. برای سیاسی نمودن دانشگاهها، توجه به این مشکل و حل آن نیز بی‌تأثیر نیست.

آنچه در این مقاله آمد، ترسیمی از وضعیت فعلی دانشگاهها و نقاط آسیب پذیر آن و ارائه برخی راه کارهای حل مشکلات براساس تحقیقات انجام شده بود و بدیهی است آنچه مطرح نشد در مقابل آنچه مطرح شد بسیار وسیع تر و فراوانتر است.